**بسم الله الرحمن الرحیم**

**صحیحه علی بن سوید، سومین دلیلی است که برای جواز کشف وجه و کفین می تواند مورد استناد قرار گیرد.**

**اعلام در فقه الحدیث این روایت یکسان مشی ننموده اند و فهم واحدی در مورد آن وجود ندارد. به طور کلی غير از احتمالی که مبنای استدلال است پنج احتمال در مورد محتوای این روایت بیان شده است ...**

تقریرات درس استاد شوپایی زید عزه؛ جلسه 35

فصل 8؛ احکام ستر و ساتر

ادله جواز کشف وجه و کفین

# فصل 8؛ ستر و ساتر

### مطلب چهارم؛ لزوم ستر وجه و کفین

#### ادله دال بر جواز کشف وجه و کفین

##### دلیل اول؛ روایات ذیل آیه 31 سوره مبارکه

##### دلیل دوم؛ روایت جابر

##### دلیل سوم؛ صحیحه علی بن سوید:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُوَيْدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع إِنِّي‏ مُبْتَلًى‏ بِالنَّظَرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْجَمِيلَةِ فَيُعْجِبُنِي النَّظَرُ إِلَيْهَا فَقَالَ لِي يَا عَلِيُّ لَا بَأْسَ إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِكَ الصِّدْقَ وَ إِيَّاكَ وَ الزِّنَا فَإِنَّهُ يَمْحَقُ الْبَرَكَةَ وَ يُهْلِكُ الدِّينَ.:

این حدیث از امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقل شده است. در این حدیث، علی بن سوید می‌گوید که به امام رضا (علیه السلام) گفت: “من به نگاه کردن به زن زیبا مبتلا هستم و از نگاه کردن به او لذت می‌برم.” امام رضا (علیه السلام) پاسخ دادند: “ای علی، اگر صدق در نیت داشته باشی، اشکالی ندارد. اما از زنا بپرهیز، زیرا زنا برکت را از بین می‌برد و دین را نابود می‌کند.”

جلسه 35

بررسی احتمال سوم؛ احتمال آقای خویی در کتاب الصلاة

این احتمال در کلمات مرحوم فیض نیز بیان شده است. نگاه کردن با التذاذ جایز است ولی التذاذی که بخاطر قوه ی شهویه نباشد.بلکه التذاذی که به مقتضای طبع بشر است که از دیدن مناظر زیبا لذت می برد چه انسان باشد چه غیر انسان.

اشکال:

هر چند این ادعا درست است که التذاذ همیشه منبعث از غریزه جنسی نیست و گاهی منشا لذت طبع انسانی است که از ملاحظه هر شیئ جمیلی لذت می برد بدون اینکه غریزه جنسی در بین باشد.

اشکالی که در اینجا وجود دارد این است که آنچه که در روایت ذکر شده است قابل حمل بر این معنا نیست. زیرا مناسبت نظر کردن التذاذی با اینکه مورد نظر زن زیبا است (لذت بردن از دیدن زن زیبا) اقتضا می کند که این التذاذ به اقتضای غریزه جنسی باشد. خود آقای خویی نیز در تشخیص اینکه نگاه شهوانی باشد یا خیر فرموده بودند اگر التذاذ از نوع التذاذی باشد که شوهر هنگام نظر به همسرش می برد این التذاذ شهوانی است.

در نتیجه مناسبت حکم و موضوع یعنی التذاذ از دیدن زن زیبا اقتضا می کند که نگاه التذاذی جنسی و شهوی است. پس مراد سائل نگاه التذاذی جنسی است. و اگر مرادش غیر از این بود باید حداقل برای رفع شبهه و اینکه متهم نشود ابراز می کرد که نگاهش شهوانی نیست. وقتی کسی می گوید از نگاه به زن زیبا لذت می برم آنچه که به مخاطب منتقل می شود همان نگاه التذاذی جنسی است.

در نتیجه حال که سوال صرفا ناظر به نگاه التذاذی است نمی توان گفت که جواب امام علیه السلام مربوط به تقسیم دو نگاه شهوانی و غیرشهوانی است.

در نتیجه مختارات آقای خویی در کتاب الصلاة و کتاب النکاح هیچ کدام قابل التزام نیست.

پس در بین احتمالات فوق، احتمال سوم صحیح است که مرحوم نراقی بیان نموده و آقای حکیم و تبریزی به آن ملتزم شده اند.

آقای خویی مطالبی را جهت رد اینکه روایت در مقام بیان جواز نگاه التذاذی جنسی باشد ایراد نموده اند.

مطلب اول:

ایشان در کتاب الصلاة در تبیین مختار خود فرموده اند آنچه ما گفتیم همان است که مرحوم شیخ بیان نموده اند.

به نظر می رسد این نسبت به مرحوم شیخ صحیح نیست و ایشان نظرشان با آقای خویی متفاوت است. مرحوم شیخ تفصیل داده اند بین جایی که لذت و شهوت سبب نظر است و جایی که نظر کردن سبب شهوت و لذت است و اصلا ایشان این روایت را در این مقام بیان نموده اند که اگر نگاه شخص به سبب شهوت نباشد اما این نظر سبب شهوت شود آیا کف نظر لازم است یا خیر. ایشان در این مقام فرمودند کف نظر در این موارد واجب نیست بخاطر اطلاق ادله و تایید روایت علی بن سوید.

در نتیجه مرحوم شیخ این روایت را در مقام تفصیل بین نظر شهوانی و غیرشهوانی نمی داند. البته اصل این مطلب که دو قسم نگاه داریم در کلام مرحوم شیخ آمده است ولی نه به عنوان مفاد روایت علی بن سوید. مرحوم شیخ فرموده است:

أمّا إذا لم يقصد به التلذّذ و لكن علم بحصول اللذّة بالنظر، أو لم يعلم به، و لكن تلذّذ في أثناء النظر، فهل يجب الكفّ‌، أم لا؟ الظاهر: الثاني، لإطلاق الأدلّة، و لأنّ‌ النظر إلى حسان الوجوه من الذكور و الإناث لا ينفكّ‌ عن التلذذ غالبا - بمقتضى الطبيعة البشرية المجبولة على ملاءمة الحسان- فلو حرم النظر مع حصول التلذذ لوجب استثناء النظر إلى حسان الوجوه مع أنّه لا قائل بالفصل بينهم و بين غيرهم (انصاری)[[1]](#footnote-1)

اما اگر قصد لذت بردن نداشته باشد ولی بداند که با نگاه کردن لذت حاصل می‌شود، یا نداند ولی در حین نگاه کردن لذت ببرد، آیا باید از نگاه کردن خودداری کند یا نه؟ به نظر می‌رسد که نه، به دلیل اطلاق دلایل و اینکه نگاه کردن به چهره‌های زیبا از مردان و زنان غالباً با لذت همراه است - به مقتضای طبیعت انسانی که به زیبایی‌ها تمایل دارد. و اگر چنین نظری حرام بود باید از جواز نگاه به صورت های زیبا استثنا می شد حال آنکه کسی قائل به آن نشده است.

بعد از بیان این مطلب مرحوم شیخ فرموده اند موید نظر ما (یعنی فتوای ما) روایت علی بن سوید است.

مطلب دوم:

ایشان هم در کتاب الصلاة هم کتاب النکاح برای رد اینکه مفاد روایت نظر التذاذی جنسی باشد فرموده است، اینکه مراد روایت نظر و نگاه جنسی باشد قابل التزام نیست. در کتاب الصلاة فرموده اند دلیل این مطلب این است که چنین نگاهی عمل فساق و کسانی است که در شهوت فرو رفته اند و این مساله اولا با جلالت علی بن سوید سازگاری ندارد ثانیا امام علیه السلام علی بن سوید را در آنچه که بیان کرده است تقریر فرموده و بیان کرده اند که اگر آنچه گفته ای راست باشد، مانعی ندارد. پر واضح است اگر آنچه علی بن سوید گفته است نگاه شهوانی باشد که عمل فساق است، معنا ندارد که امام علیه السلام او را تقریر کند.

در کتاب النکاح نیز فرموده است حمل روایت بر این معنا با جلالت علی بن سوید سازگاری ندارد. و اگر کار علی بن سوید نظر شهوانی بوده است چرا امام علیه السلام او را نهی از منکر نکرده است.

اشکال:

درالدلائل فی شرح منتخب المسائل به این که این معنا با جلالت علی بن سوید سازگاری ندارد اشکال شده است :

چون علی بن سوید فقط در کتاب شیخ توثیق شده است و خود شمای آقای خویی نیز در کتاب رجال صرفا همین مطلب را نقل نموده و او را توثیق نموده اید. حال سوال این است که چه دلیلی بر جلالت قدر علی بن سوید وجود دارد؟ اینکه شخص ثقه است ملازمه ندارد با اینکه مرتکب حرام نشود.

برخی نیز فرموده اند ولو علی بن سوید جلیل القدر باشد اما معلوم نیست این روایت مربوط به زمان جلالت قدر او باشد. بلکه ممکن است زمان سوال هنوز به آن مقدار از جلالت نرسیده باشد.

استاد:

درست است که آقای خویی در معجم الرجال صرفا به همان عبارت مرحوم شیخ که دلالت بر توثیق علی بن سوید می کند استناد کرده است. اما بعد از آن روایتی را از مرحوم کشی نقل می کند مربوط به مکاتبه ای که علی بن سوید با امام کاظم علیه السلام داشته اند و در آن مکاتبه حضرت علیه السلام در مورد او تعبیراتی دارد که نشان می دهد ایشان از اجلا است.

قال: كتبت إلى أبي الحسن موسى ع، و هو في الحبس - أسأله فيه عن حاله و عن جواب مسائل كتبت بها إليه، فكتب إلي: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله العلي العظيم الذي بعظمته و نوره أبصر قلوب المؤمنين، و بعظمته و نوره عاداه الجاهلون، و بعظمته أبتغي إليه الوسيلة بالأعمال المختلفة و الأديان الشتى، فمصيب و مخطئ، و ضال و مهتد، و سميع و أصم، و بصير و أعمى، و حيران و أعمى (و) حيران، فالحمد لله الذي عرف وصف دينه بمحمد ص: أما بعد ذلك، فإنك امرؤ أنزلك الله من آل محمد ص بمنزلة خاصة مودة بما ألهمك من رشدك و بصرك في أمر دينك بفضلهم و رد الأمور إليهم، و الرضا بما قالوا.. (خوئی)[[2]](#footnote-2)

البته ایشان در ادامه می فرماید این روایت با سندهای دیگری نیز ذکر شده است ولی همه این اسناد ضعیف است و مدرک در توثیق علی بن سوید همان عبارت شیخ است.

ممکن است گفته شود ولو این اسناد ضعیف است اما از مجموع این امور شاید بتوان به جلالت او پی برد.

اشکال دوم:

این اشکال نیز در همان کتاب بیان شده است.

آنچه در روایت بیان شده است نگاه کردن است و این نگاه کردن اطلاق دارد و اعم از نظر شهوانی و غیرشهوانی است. اجماع و تسالم یا ادله ای که نسبت به حرمت نظر التذاذی بیان شده است سبب می شود این روایت را مقید کنیم به نظر غیرالتذاذی.

استاد:

این مناقشه تمام نیست. زیرا آنچه که در روایت آمده است نظر با اعجاب است و مراد از آن نظر التذاذی است. در نتیجه اصلا اطلاقی ندارد که بگوییم آن را قید می زنیم به جایی که نظر التذاذی نباشد.

مطلب سوم؛

ایشان در کتاب النکاح فرموده است:

در روایت علی بن سوید نیامده است که من فقط نگاه التذاذی به وجه و کفین او می کنم بلکه گفته است من به زن زیبا نگاه می کنم و این نگاه منحصر به وجه و کفین نیست و شامل موی زن نیز می شود حال آنکه کسی نمی تواند ملتزم به جواز نظر به موی زن بشود.

با توجه به اینکه مورد سوال منحصر در وجه و کفین نیست حمل روایت به اینکه امام علیه السلام بخواهند تجویز کنند نگاه التذاذی را حتی به وجه و کفین ممکن نیست.

اشکال:

ولو فی حد نفسه نگاه به زن اطلاق دارد اما آنچه در روایت آمده است این است که نظر به زن زیبا بما انها مراة جمیله موجب التذاذ است و آنچه در جمال شخص دخالت دارد همان صورت اوست. در سوال نیامده است به بدن زن به نحو مطلق نگاه می کنم. آنچه در سوال آمده است نگاه کردن به جمال شخص است و جمیل بودن زن عادتا از صورت او فهمیده می شود لذا نمی توان گفت مورد سوال شامل موی زن نیز می شود.

نتیجه بحث در روایت علی بن سوید اين شد که اين روايت نمی تواند دلیل بر جواز نظرغير التذاذی به وجه و کفین باشد ، و از ميان محتملات متعدد در معنای روايت آنچه قابل التزام است اين است که روايت حمل بر موارد اضطرار و گرفتاری عرفی شود .

1. انصاری مرتضی بن محمدامین. *کتاب النکاح (انصاری)*. المؤتمر العالمي بمناسبة الذکری المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاري. الأمانة العامة، 1415، ص 53. [↑](#footnote-ref-1)
2. خوئی سید ابوالقاسم. *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*. ج 13، 1372، ص 59. [↑](#footnote-ref-2)